

نگاهی به راهکارهای توانمندسازی زنان سرپرست خانوار (با تأکید بر نقش تعاونی‌ها)

دکتر موسی کاظمی

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین

چکیده

هدف این مقاله معرفی قابلیت‌های تعاونی‌ها در زمینه توانمندسازی زنان سرپرست خانوار می‌باشد. یافته‌های علمی، سازه‌هایی مانند میزان مالکیت منابع، میزان نقش‌آفرینی آنان در مدیریت منابع، تعداد دوره‌های آموزشی ویژه زنان و میزان اشتغال ایجاد شده برای زنان را به‌عنوان مهمترین ارکان توانمندسازی زنان مشخص کرده است. از سوی دیگر تعاونی‌ها قابلیت بسیار زیادی در زمینه توانمندسازی زنان ویژه زنان سرپرست خانوار و فراهم‌سازی شرایط مطلوب در این خصوص دارا می‌باشند. در عین حال بر اساس نتایج مطالعات گذشته، اگرچه میزان تمایل زنان سرپرست خانوار در فعالیت‌های گروهی بالا است ولی تبعیض‌های موجود در جامعه بویژه بی‌توجهی به آموزش و اشتغال و بی‌توجهی به تأمین معیشت آنان در فعالیت‌های شغلی، حضور آنان را در فعالیت‌های گروهی محدود کرده است. این در حالی است که تعاونی‌ها می‌توانند موجب کاهش فشارهای روانی، اقتصادی و اجتماعی زنان سرپرست خانوار شده و زمینه رشد، خودتکایی و خودکفایی آنان را فراهم آورند. پیشنهاد این مقاله آن است که با رفع آسیب‌های موجود در تعاونی‌های کشور و فراهم‌سازی امکان اشتغال زنان سرپرست خانوار در قالب تعاونی‌های درآمدزا با تأکید بر توسعه گرایش‌های صنعتی، کشاورزی و خدماتی؛ بهتر است زنان سرپرست خانوار در تعاونی‌های غیرهمگن و متشکل از سایر گروه‌های اجتماعی عضویت یافته و دولت حمایت‌های خود را با هدف توانمندسازی زنان سرپرست خانوار به این تعاونی‌ها عرضه نماید.

واژگان کلیدی: توسعه اجتماع‌محور، توانمندسازی، زنان سرپرست خانوار، تعاون

مقدمه

مهمترین عوامل مؤثر در توانمندسازی بیان شده است. توسعه اجتماعی از طریق آموزش عمومی مردم به‌دنبال سازماندهی نمایندگان طیف‌های مختلف جامعه است. آموزش‌های عمومی، مردم را آماده مواجهه با مشکلات پیش‌بینی نشده و تصمیم‌گیری برای رفع آنها می‌کند. از سوی

اغلب صاحب‌نظران، توانمندسازی را بر حسب میزان تسلط و دسترسی اجتماعات محلی بویژه زنان به منابع و میزان نقش‌آفرینی آنان در مدیریت بر این منابع تعریف نموده‌اند. همچنین در اغلب موارد آموزش و اشتغال به‌عنوان

دیگر اشتغال، امکان و زمینه مشارکت آنان را در گروه‌های اقدام برای توسعه فراهم می‌آورد. بر این اساس، جامعه انسانی به میزانی که به این دو مقوله (آموزش و اشتغال) توجه نماید به‌طور فزاینده‌ای به سمت استقلال و خوداتکایی پیش می‌رود و هم‌زمان آگاهی وسیعی از روابط درونی و مسئولیت‌ها به‌وجود می‌آید و جامعه با استفاده از منابع داخلی و خارجی و با تکیه بر عقلانیت برای ایجاد یک فضای مناسب تحریک می‌شود. بسیاری از صاحب‌نظران بر این باورند که توسعه اجتماعی با چنین دیدگاهی می‌تواند در زمینه بهبود وضعیت اجتماع کمک مؤثری نماید. توسعه اجتماعی بیش از آنکه توسط نهادهای دولتی کنترل و هدایت شود، می‌تواند توسط سازمان‌های خودمختار محلی و گروه‌هایی از زنان و مردان توانمند هدایت و کنترل شود. از سوی دیگر، پیگیری توسعه اجتماعی توسط گروه‌های مردمی، باعث ایجاد همدلی، هماهنگی و توانایی در رهبریت محلی می‌شود (بلکبرن، ۱۳۸۰).

توسعه اجتماعی بیش از هر چیز یک فرآیند ارتباطی و متحدکننده است که بازیگران اصلی آن خود مردم می‌باشند. در این فرآیند جامع، گروه‌ها و تشکل‌های غیررسمی مذهبی، اجتماعی، سیاسی و آموزشی در کنار سازمان‌های تجاری و اقتصادی مشارکت دارند. در این صورت توسعه اجتماعی به مفهوم بهبود وضعیت زندگی شهروندان، تنها یک یا چند پروژه نیست بلکه مجموعه‌ای کلی از فعالیت‌های گروهی و جمعی است که مزیت‌های زیر را بویژه برای محرومان جامعه فراهم می‌آورد:

- ۱- ایجاد فرصت‌هایی برای آموزش و ارتقای سطح اطلاعات اجتماعی و عمومی،
- ۲- آشنا ساختن مردم با راهبردها، خط‌مشی‌های ملی و به تبع آن تسهیل اجرای این خط‌مشی‌ها،
- ۳- ترویج فرهنگ ملی و خصایل انسانی و دینی نظیر خیرخواهی، قناعت، خدمتگزاری،

احساس مسئولیت جمعی، صداقت در کار و...،
۴- تشخیص و شناخت مسائل و نیازهای اجتماعی، فرهنگی و اتخاذ و ارائه راهکارهای عملی برای رفع آنها از طریق مطالعه، پژوهش و...،

۵- ارتقای همبستگی اجتماعی با ایجاد شبکه‌های همکاری و همفکری و برقراری روابط گروهی و به تبع آن ایجاد حس مشارکت جمعی،

۶- حمایت و تقویت خودیاری‌ها و دموکراسی‌های خودجوش.

در ۱۹۹۵ میلادی، ۱۱۷ نماینده از کشورهای جهان گرد هم آمدند تا برای اولین بار مقوله توسعه اجتماعی را مورد بررسی قرار داده و به یک تعریف واحد دست یابند. نتیجه این گردهمایی هیچ تعریف واحدی را ایجاد نکرد اما توانست ابعاد آن را تا حدودی بیان کند. در این گردهمایی دولت‌ها تعهدات بسیاری را در موضوع توسعه اجتماعی پذیرفتند که در میان آنها توجه به توانمندسازی و مشارکت اجتماعی زنان مقوله‌هایی محوری می‌باشند. بنابراین، توانمندسازی زنان، موضوع محوری در توسعه اجتماعی است چراکه تبعیض جنسیتی مهمترین مانع بر سر راه هرگونه توسعه است. در این بین توجه به گروه‌هایی خاص در بین زنان دارای اهمیت است. زنان سرپرست خانوار از جمله این گروه‌ها می‌باشند که به دلیل محدودیت‌های بیشتر و آسیب‌های وارد شده به آنها لازم است توجه بیشتر و دقیق‌تری به توانمندسازی آنها داشت. زنان سرپرست خانوار و خودسرپرست^۱ به زنانی اطلاق می‌شود که مسئولیت تأمین معاش زندگی و اداره امور خود و خانواده خود را به‌طور دائم یا موقت عهده‌دار هستند و به پنج دسته تقسیم می‌شوند: اول، زنان سرپرست خانواری که به‌طور دائم یا موقت غیرشاغل و فاقد منابع اقتصادی درآمدزا هستند و مسئولیت نگهداری یک یا چند فرزند کمتر از هجده سال

کدامند؟

- ۲- تعاونی‌ها برای توانمندسازی زنان دارای چه مزیت‌هایی می‌باشند؟
- ۳- برای توانمندسازی زنان سرپرست خانوار؛ چه مزیت‌هایی در تعاونی‌ها می‌باید مورد توجه قرار گیرد؟

مروری بر ادبیات موضوع

الف) ابعاد مفهومی توانمندسازی زنان

زنان نیمی از جمعیت جامعه جهانی هستند و در سال‌های اخیر مهم‌ترین مخاطبان توسعه اجتماعی محسوب می‌شوند. بررسی فقر بر حسب جنسیت نشان می‌دهد که در طول دهه گذشته همواره درصد فقر در میان خانوارهایی که سرپرست آنها زن بوده نسبت به خانوارهای با سرپرست مرد بیشتر بوده است. همچنان که آمار نشان می‌دهد در سال ۱۳۷۰ نزدیک به ۴۵ درصد و در سال ۱۳۸۰ حدود ۱۷/۵ درصد از کل زنان سرپرست خانوار زیر خط فقر مطلق قرار داشته و بنابراین امکان دستیابی به حداقل‌های مورد نیاز برای زندگی را نداشته‌اند. همچنین، با وجود آن که سیر نزولی درصد زنان سرپرست خانواری که زیر خط فقر مطلق قرار دارند طی دهه ۷۰ ادامه داشته است ولی تفکیک آماری زنان سرپرست خانوار شهری و روستایی نشان‌دهنده روند کندتر این روند برای زنان سرپرست خانوار روستایی (۱۹ درصد) در مقابل زنان سرپرست خانوار شهری (۱۵/۲ درصد) است. از سوی دیگر بررسی وضعیت دهک‌های درآمدی نشان می‌دهد که بیش از ۵۰ درصد زنان سرپرست خانوار در دو دهک اول و دوم قرار دارند که فقیرترین گروه‌های درآمدی محسوب می‌شوند.

در سال ۲۰۰۰ میلادی بیش از ۱۹۱ نفر از نمایندگان ملت‌ها و دولت‌های جهان بر روی اعلامیه اهداف توسعه هزاره توافق کردند (نوری، ۱۳۸۳) به این امید که هزاره سوم میلادی را با

یا فرزندان بالای هجده سال غیرشاغل را بر عهده دارند. دوم، زنان سرپرست خانوار شاغل یا برخوردار از منابع اقتصادی درآمدزا که درآمد خانوار آنان کمتر از حداقل دستمزد موضوع قانون کار است. سوم، زنان سرپرست خانواری که مسئولیت تأمین معاش خانواده را برعهده ندارند، ولی به دلیل ازکارافتادگی، غیبت موقت یا دائم سرپرست مرد، مسئولیت اداره امور خود و خانواده را برعهده دارد. چهارم، زنانی که به دلیل طلاق یا فوت همسر در خانواده پدر یا سایر اقوام زندگی می‌کنند مادامی که مستقل نشده‌اند این دسته از زنان را خودسرپرست نیز می‌نامند و بالاخره پنجم، زنان سرپرست خانوار شاغل یا برخوردار از منابع اقتصادی درآمدزا با درآمد خانوار بالای حداقل دستمزد موضوع قانون کار که نیازمند خدمات اجتماعی و فرهنگی می‌باشند. این تعریف، زنان سرپرست خانوار را با توجه به محرومیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مدنظر قرار داده است.

این مقاله به بررسی قابلیت‌های بخش تعاون به‌عنوان یکی از کارآمدترین راهکارهای توانمندسازی زنان پرداخته و سازوکارهایی را در این ارتباط ارائه می‌دهد.

روش تحقیق

این تحقیق به روش کتابخانه‌ای و اسنادی انجام شده است. برای این منظور منابع مختلف مرتبط با موضوعات توسعه اجتماعی، مشارکت اجتماعی، زنان سرپرست خانوار، توانمندسازی، تعاونی‌ها و امثال آن با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار بررسی شده و با استفاده از تکنیک‌های تحلیل محتوا و ترسیم نقشه‌های ذهنی دسته‌بندی، تجزیه و تحلیل و تفسیر شده‌اند. پرسش‌های محوری در این مطالعه به شرح زیر می‌باشند:

- ۱- مفاهیم و ابعاد توانمندسازی زنان به‌طور عام و زنان سرپرست خانوار به‌طور خاص

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، همچنان از نابرابری‌های جدی با مردان رنج می‌برند.

ب) رویکرد تعاونی و توانمندسازی زنان

مطالعات نشان می‌دهد که بخش‌های خصوصی، تعاونی و سازمان‌های غیردولتی و به‌طور کلی بخش غیردولتی به لحاظ نزدیکی به مردم در پیشبرد اهداف توسعه اجتماعی، بویژه فراهم‌سازی زمینه مشارکت زنان، پیشقدم می‌باشند. آنها از یک‌سو قادرند طبق خواست‌های عمومی حرکت کنند و از سوی دیگر با نقش واسط و میانجی خود به اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه در جهت بهبود عدالت اجتماعی، برقراری روابط و کنترل اجتماعی، حقوق شهروندی و رفع ناهنجاری‌ها و مشکلات شهروندی یاری رسانند. بر این اساس نقش‌های سه‌گانه بخش غیردولتی (شامل بخش‌های خصوصی و تعاونی) در توسعه اجتماعی به شرح زیر بیان می‌شود:

۱- نقش توانمندسازی: آنها با اقدامات آموزشی، فرهنگی و برخی خدمات اجرایی به تواناسازی شهروندان پرداخته و زمینه‌ساز حضور و مشارکت اجتماعی و اصلاح امور شهر می‌شوند.

۲- نقش میانجی‌گری: آنها مانند پلی، بین مقامات و مسئولان مملکتی و سازمان‌های دولتی و عامه مردم و قشرهای مختلف شهروندان قرار می‌گیرند. این نقش کمک می‌کند که منابع موجود و خدمات مختلف، کنترل شده و به‌صورتی بهینه مورد بهره‌برداری واقع شوند.

۳- نقش مشاوره و اصلاح: آنها به‌عنوان زنگ خطر یا عامل هشداردهنده و همین‌طور مشاور، در ارتباط با سازمان‌های دولتی بوده و در واقع طرف مشورت آنها برای تغییر در

اقدامات خود به سمت صلح، دوستی و رفع نیازهای واقعی مردم سراسر جهان آغاز کنند. اعلامیه اهداف توسعه هزاره ابعاد محرومیت انسانی را در ۸ بند موردتوجه قرار داده و به‌دنبال همگرایی فعالیت‌های جهانی برای خروج نسل بشر از آنها می‌باشد. این ابعاد شامل: فقر و گرسنگی، بی‌سوادی و عدم دسترسی به آموزش مناسب، بیکاری جوانان و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی ناشی از آن، محرومیت زنان و نابرابری جنسیتی در دسترسی به منابع قدرت، عدم توجه به اصول توسعه پایدار بویژه تخریب منابع زیستی، عدم دسترسی به بهداشت مناسب برای کودکان و مادران، شیوع بیماری‌های واگیردار و نبود وجود روحیه تعاون و همکاری بین جامعه جهانی می‌باشند (World Bank, ۲۰۰۳).

یکی از مهمترین پرسش‌هایی که پاسخ آن از دولت‌ها خواسته شده است مربوط به زنان است که به‌طور خاص با عنوان "محرومیت زنان و نابرابری جنسیتی در دسترسی به منابع قدرت" و "عدم دسترسی به بهداشت مناسب برای کودکان و مادران" بیان شده است. اگرچه باید توجه داشت که سایر ابعاد ذکرشده در این اعلامیه نیز به توصیه سازمان ملل متحد باید به‌طور مشخص وضعیت زنان را بیان نماید چراکه بار محرومیت این ابعاد نیز بیش از حد بر دوش زنان جامعه است (کاضی، ۱۳۸۴).

بررسی‌های انجام‌شده توسط سازمان یونسکو (۱۹۹۶) نشان‌دهنده آن است که زنان نسبت به مردان نقش بارزی در بیشتر ابعاد زندگی دارند به‌نحوی که مردان ۱۰ درصد وقت خود را به کارهای عادی خانواده اختصاص می‌دهند درحالی‌که این نقش برای زنان ۶۸ درصد است. همچنین یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که زنان ۳۸ درصد وقت بیشتری از مردان برای کارهای کشاورزی صرف می‌کنند. نکته قابل توجه دیگر آن است که علی‌رغم نقش انکارناپذیر زنان در ابعاد مختلف خانوادگی،

جدول (۱): ابعاد مفهومی نهادسازی مشارکتی

ردیف	دسته‌بندی ابعاد مفهومی نهاد مشارکتی					
	ماهیت	ساختار	سازماندهی	فرآیند تصمیم‌گیری	حقوق انسانی	آثار و نتایج
۱	انبوه خلق	تجمع (راهپیمایی)	گردهمایی	وجوه مشترک (تمدن)	آزادی انتخابات	برابری اجتماعی
۲	حضور (شرکت کردن)	هیأت	مسئولیت متقابل	توکل و بندگی	رفاه و آسایش	دستگیری و کمک
۳	شبکه ارتباطی	شورا	اهداف مشترک	رهبری و نفوذ	آزادی اطلاعات / بیان	همبستگی
۴	همگرایی	جمعیت / انجمن	اجتماع	پویایی گروهی	شهروندی	مشروعیت و مقبولیت
۵	مشورت	مجلس	هماهنگ‌سازی	تبادل افکار	عدالت اجتماعی	نظارت و آینده‌نگری
۶	انتظام	دولت	عرف	قانون	امنیت / تأمین اجتماعی	حاکمیت
۷	خودداری	تشکل / سازمان	ائتلاف	همنویی	قبول تضاد اجتماعی	مشکل‌گشایی
۸	مشاوره	همه‌پرسی	اعتمادسازی	رسانش / نشر	پاسخگویی	روشن‌نگری
۹	همکاری	شرکت / مؤسسه	شراکت	تسهیم منابع و منافع	آزادسازی منابع	رشد و پیشرفت
۱۰	همیاری	جهاد	بسیج	اجماع	ایدئولوژی	ابتکار و سازندگی

مأخذ: کاظمی، م. (۱۳۸۴)، شناخت‌شناسی نهادهای مشارکتی در ایران، فصلنامه امداد پژوهان...

مستقل برای انتخاب به دست آورند، خود را سازماندهی کنند و منابع را کنترل کنند. از سوی دیگر، توانمندسازی نیز مانند هر پدیده انسانی دیگر نمی تواند بدون نهادسازی دنبال شود. نهاد "مجموعه ای از هنجارها و رفتارهای حاکم و ارزشمند است که از طریق فرآیند نهادسازی در جامعه به وجود آمده، گسترش یافته و استقرار

سیاست گذاری ها، برنامه ها و یا حتی تدوین آنها هستند تا دسترسی محلی به منابع و به کارگیری آنها به شیوه های محلی به سهولت و در شکلی مطلوب امکان پذیر گردد.

کلر (۲۰۰۲، Keller) توانمندسازی زنان را فرآیندی می داند که طی آن زنان قادر می شوند اتکای به نفس خود را افزایش دهند، حق

جدول (۲): توزیع آمار تعاونی های زنان در کشور به تفکیک گرایش های کسب و کار - ۱۳۸۶

اشتغال	اعضاء	سرمایه (هزار ریال)	تعداد	گرایش	ردیف
۳۳,۹۱۴	۴۳,۶۹۳	۱۳۶,۶۱۴,۴۸۷	۵,۴۵۶	کشاورزی	۱
۱,۰۲۲	۱,۱۴۰	۵,۶۴۶,۲۸۰	۱۰۹	عمرانی	۲
۷۷,۹۴۶	۶۲,۲۹۲	۵۶۰,۷۹۵,۹۰۹	۵,۶۳۰	صنعتی	۳
۱,۰۱۶	۵۹۳	۶,۶۹۹,۹۶۶	۶۶	معذنی	۴
۱۱۷,۲۴۰	۸۴,۵۸۲	۲۴,۰۹۸,۲۵۲	۱,۲۷۱	فروش دستباف	۵
۱۰,۷۶۰	۹,۵۵۹	۵,۸۵۴,۴۳۲	۵۲۲	تأمین نیاز تولیدکنندگان	۶
۵۹,۱۴۱	۵۷,۹۲۴	۶۴۱,۹۵۷,۱۳۷	۵,۸۰۸	خدمات	۷
۱,۲۱۳	۱,۱۸۲	۲,۷۶۳,۴۱۰	۱۶۱	حمل و نقل	۸
۰	۸۵,۵۰۵	۱۹۸,۴۶۰,۶۸۱	۴۵۱	مسکن	۹
۵۶۳	۲۱,۳۳۲	۲۹,۷۶۱,۴۶۱	۱۲۵	اعتبار	۱۰
۱,۲۳۷	۱۵۸,۳۱۹	۴۵,۵۰۵,۱۹۲	۱۹۷	تأمین نیاز مصرف کنندگان	۱۱
۱۰,۱۹۸	۲۴۶,۱۳۴	۸۹,۲۱۴,۷۴۸	۵۱۳	چند منظوره	۱۲
۳۵۱	۵۲۷	۱,۰۰۲,۸۳۰	۴۹	تأمین نیاز صنوف خدماتی	۱۳
۳۱۵,۲۴۷	۷۷۲,۷۸۲	۱,۷۴۸,۳۷۴,۷۸۳	۲۰,۳۵۸	جمع کشور	
۷,۶۹۰	۷۱۲,۸۹۲	۱۹,۲۱۸,۰۶۰	۸,۴۹۷	مصرف آموزشی	۱۴

مأخذ: وزارت تعاون - دفتر آمار و فناوری اطلاعات (۱۳۸۶)

می‌یابد. نهادسازی، مهمترین کارکرد اجتماعی در یک جامعه پویا و توسعه‌یافته است. تحقق مشارکت واقعی زنان بویژه زنان سرپرست خانوار به میزان تمایل حکومت‌ها به تقویت نهادهای مشارکتی قانونی، سیاسی و ایجاد امکان دسترسی آنان به منابعی چون زمین، سرمایه، اطلاعات و مهارت وابسته است. از سوی دیگر، تعاون شکلی متعالی از همکاری است که در سطح نهم از سطوح ماهیتی نهادسازی قرار دارد و سطوحی مانند مشاوره، خودیاری، انتظام، مشورت، همگرایی، شبکه ارتباطی، حضور و انبوه خلق را شامل می‌شود (کاظمی، ۱۳۸۵).

نگاهی به ادبیات تعاون در جهان نشان‌دهنده نظرات بسیار متفاوتی در این خصوص است به نحوی که جریان‌های فکری متفاوتی را می‌توان در این‌باره ملاحظه کرد. برخی از ایشان نقطه آغازین شکل‌گیری نهضت تعاون را به جریان شکل‌گیری تعاون راچدیل در کشور انگلستان (سال ۱۷۴۴) محدود می‌دانند؛ عده‌ای آن را نتیجه اقدامات و نظریه‌پردازی‌های سوسیالیستی دانسته و گروهی نیز فارغ از هر نظریه‌پردازی، تعاون را با توجه به فرهنگ و سنین اقوام مختلف تعریف و معرفی می‌کنند. با وجود این تفاوت دیدگاه‌ها، تعریف به نسبت یکسانی از تعاون وجود دارد. بر این اساس "تعاونی یک انجمن داوطلبانه، دموکراتیک و خودگردان از افراد است که با هدف تشویق اعضای خود به رشد و عمل جمعی به‌عنوان یک ارزش ایجادشده و فعالیت می‌کند. تعاونی‌ها از طریق فراهم‌آوری امکان دسترسی و مالکیت ابزار معاش و رفاه وابستگی اقتصادی اعضای خود را کاهش می‌دهند."

به‌رغم همه نگرش‌های بیان‌شده، ما مسلمانان تعاون را از تعالیم خداوند متعال به بندگان خود می‌دانیم، چراکه خداوند در آیه شریفه "تعاونوا علی‌البر و التقوی..." به زیباترین شکل؛ رویکرد زندگی انسان را "تعاون بر نیکی‌ها و کسب تقوی و رضای الهی" بیان داشته است. در میان

مروجان ایده تعاونی در کشورمان، شهید بزرگوار آیت‌الله بهشتی از جایگاه رفیعی برخوردار است. بررسی آراء و نظرات ایشان گویای تسلط و ریزبینی آن بزرگ‌مرد تاریخ بویژه در زمینه اقتصاد تعاون می‌باشد. ایشان بر جایگاه ویژه بخش تعاون در نظام اسلامی تأکید داشته و بر این اساس فرموده: "مسأله اقتصاد تعاونی که در عصر ما و در جمهوری اسلامی ما مورد توجه قرار گرفته و درحقیقت بر همان پایه‌هایی استوار است که امروز در جوامع مختلف در ارتباط با اقتصاد تعاونی گفته می‌شود. یعنی در نظام اسلامی و جمهوری اسلامی لزومی ندارد چیزی به آن بیفزاییم." اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی تجلی‌یافته عقاید آن شهید مظلوم می‌باشد که همچنان قوانینی پیشرو در بخش تعاون کشور محسوب می‌شود.

زنان از گروه‌های عمده اجتماعی هستند که طرفدار تشکل در قالب تعاونی می‌باشند. جداول (۱) و (۲) نشان‌دهنده میزان تمایل زنان به ایجاد شرکت‌های تعاونی در کشور می‌باشد. همچنان که ملاحظه می‌شود زنان در کشورمان در زمینه‌های مختلفی علاقمند به تشکیل تعاونی هستند به نحوی که قریب به ۷۷۲ هزار و ۷۸۲ نفر عضو این تعاونی‌ها بوده و بالغ بر ۷۶۹۰ نفر در قالب این تعاونی‌ها اشتغال دارند.

جدول (۲) نشان‌دهنده میزان قابلیت اشتغالزایی تعاونی‌ها به تفکیک گرایش‌های موضوعی برای زنان است. همچنان که ملاحظه می‌گردد بیشترین اشتغالزایی مربوط به تعاونی‌های فرش دستباف به میزان ۱۱۷ هزار و ۲۴۰ نفر است که از نظر تعداد تعاونی در اولویت چهارم و از نظر تعداد اعضا در اولویت چهارم و از نظر میزان سرمایه در اولویت هشتم قرار دارد.

اولویت دوم از نظر اشتغالزایی مربوط به تعاونی‌ها با گرایش صنعتی است. این تعاونی‌ها از نظر تعداد در اولویت دوم، از نظر تعداد

ویژه‌ای است و به دلیل سازگاری و انطباق بسیار زیاد با فرهنگ بومی تاکنون توانسته است پایدار مانده و توسعه یابد. بررسی‌های احمدی (۱۳۸۶) نشان می‌دهد که در برخی از مناطق کشور این نوع تعاونی‌های سنتی از بین رفته‌اند و متأسفانه هیچ ساختار مناسب و پایداری که جایگزین این شکل از گروه‌های خودیاری و همیاری زنان شود، ایجاد نشده است.

بررسی‌های انجام‌شده در شهرستان ورامین نشان می‌دهد که سازماندهی واحدهای تعاونی مناسب‌ترین روش برای توانمندسازی اجتماعات محلی در روستاهای منطقه ورامین بویژه برای زنان روستایی می‌باشد. بر این اساس آموزش‌های توانمندسازی جوامع محلی می‌باید با محوریت آگاه‌سازی اجتماعی، ارتقای فرهنگ عمومی مشارکت و آموزش چانه‌زنی و مذاکره با ادارات دولتی دنبال شود. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که بدنه دولت، شامل ادارات دولتی مرتبط با اجتماعات محلی، از آگاهی و دانش لازم برای حمایت و توانمندسازی مردمی برخوردار نیست و جایگاه مشخصی برای زنان در برنامه‌های اجرایی دولتی پیش‌بینی نشده است. همچنین در این خصوص پیشنهاد شده است که حمایت‌های دولتی باید بیشتر از طریق تأمین زیرساخت‌های مورد نیاز برای اشتغال صورت گیرد. بر اساس یافته‌های این مطالعه، نهادسازی مشارکت باید در قالب ایجاد تعاونی و با هدف تأمین منافع و درآمدهای مستقیم برای مشارکت‌کنندگان دنبال شود (کاظمی، ۱۳۸۶).

ژاله شادی‌طلب (۱۳۸۴) بر این عقیده است که مفهوم توانمندسازی را باید با توجه به ابعاد اجتماعی، اقتصادی، روانی و سیاسی مورد توجه قرار داد. بر این اساس، بعد اجتماعی شامل میزان تمایل زنان به مشارکت و گرایش آنان به کار گروهی؛ بعد روانی شامل میزان گرایش به نوپذیری و تقلیدگرایی، اعتماد به دیگران و احساس توانایی برای تأثیرگذاری در زندگی

اعضا در اولویت پنجم و از نظر میزان سرمایه نیز در اولویت دوم هستند. اولویت سوم از نظر اشتغالزایی مربوط به تعاونی‌های با گرایش خدمات است که این تعاونی‌ها با وجود آن که به نسبت دیگر تعاونی‌ها اعضای کمتری دارند ولی از نظر فراوانی تشکیل در اولویت اول و از نظر میزان سرمایه نیز در اولویت اول قرار دارند.

ج) قابلیت‌های توانمندسازی تعاونی‌ها برای زنان سرپرست خانوار

تشکیل تعاونی‌ها با توجه به اصولی هفت‌گانه در جهان انجام می‌شود که این اصول بیان‌کننده قابلیت این بخش از اقتصاد در محرومیت‌زدایی از زنان، بویژه زنان سرپرست خانوار، است:

- ۱- عضویت آزاد و داوطلبانه و بهره‌مندی اعضا از خدمات و تسهیلات تعاونی در جهت رفع نیازها و اهداف مشترک،
- ۲- کنترل تعاونی توسط حضور دموکراتیک اعضا (حاکمیت اعضا)،
- ۳- مشارکت اقتصادی اعضا در پیشبرد اهداف تعاونی،
- ۴- خودگردانی و استقلال تعاونی (خوداتکایی و عدم تأثیرپذیری از مراکز قدرت غیر)،
- ۵- آموزش؛ کارآموزی و اطلاع‌رسانی در تعاونی (توانمندسازی مستمر)،
- ۶- همکاری تعاونی‌ها با هم (یکپارچگی و خوداتکایی بخش تعاون)،
- ۷- توجه به مسایل جامعه.

فرهادی (۱۳۸۰) دیرینه‌ترین تعاونی‌های موجود در کشور را متعلق به زنان می‌داند به نحوی که به طور مثال "شیرواره" و "واره" یک تعاونی سنتی کهن و زنانه در ایران است که در ابعاد اجتماعی و اقتصادی روستاهای کشور از اهمیت و جایگاه خاصی برخوردار بوده و همچنان در بسیاری از مناطق به حیات خود ادامه داده است. این شکل سنتی از تعاونی زنانه از منظر زنان روستایی دارای ارزش اقتصادی و تولیدی

حال و آینده، بعد اقتصادی شامل نوع اشتغال و کنترل بر دارایی و بالاخره بعد سیاسی شامل میزان تمایل به عضویت در مراجع تصمیم‌گیری محلی مانند شورای اسلامی عنوان شده است. این مطالعه به شیوه کمی و کیفی ابعاد مذکور از توانمندسازی زنان را در شهرستان اراک مورد بررسی قرار داده است. بر اساس یافته‌های این مطالعه، از یک سو ضرورت کار جمعی مورد تأیید اکثریت زنان سرپرست خانوار (۸۵ درصد پاسخگویان) است ولی از سوی دیگر، بیش از ۸۲ درصد ایشان در طول یک سال پیش از زمان انجام مطالعه، در هیچ کار جمعی شرکت نداشته‌اند. این امر نشان می‌دهد که به‌رغم تمایل زنان سرپرست خانوار به مشارکت، در عمل آنها از امکان مشارکت پایینی در جامعه برخوردارند بخشی از این وضعیت و میزان تمایل زنان سرپرست خانوار به مشارکت، با نوع فعالیت اجتماعی تغییر می‌کند.

بر اساس یافته‌های صابری‌فر و کلماتی (۱۳۸۶) در شهرستان تایباد، زنان به‌طور مطلق از شرکت در برنامه‌های آموزشی در این شهرستان بی‌بهره بوده‌اند به‌نحوی که از مجموع ۱۷۵ دوره آموزشی که در طول مدت ۱۰ سال گذشته (۷۵ - ۸۵) در این شهرستان برگزار شده است حتی یک دوره آموزشی برای افزایش مهارت‌های زنان اجرا نشده است. همچنین یافته‌های این بررسی نشان می‌دهد که زنان از تسهیلات بانکی که به‌عنوان یکی از مهمترین منابع تأمین سرمایه برای کسب و کارهای کوچک و خانگی محسوب می‌شوند، چندان بهره‌مند نشده‌اند به‌نحوی که ۷۸ درصد ایشان هیچ وامی دریافت نکرده‌اند. همچنین از مجموع زنانی که از بانک‌ها و مراکز اعتباری و مالی رسمی وام دریافت کرده‌اند، ۸۷ درصد به‌طور غیرمستقیم و از طریق اعضای خانواده یا آشنایان به چنین کاری مبادرت نموده‌اند. این امر نشان می‌دهد که زنان نسبت به مردان نزد بانک‌ها و مراکز اعطای تسهیلات بانکی اعتبار

کمتری دارند و یا توانایی تأمین منابع وثیقه و ضمانتی لازم برای اخذ وام را در اختیار ندارند. به‌طور مثال بر اساس یافته‌های همین مطالعه، تنها ۶ درصد از اراضی مستعد کشاورزی در منطقه مورد مطالعه تحت مالکیت زنان است و البته بخش عمده این دسته از زنان ساکن شهرها بوده‌اند. ۷۶ درصد از زنان که دارای توانایی اشتغال و تولید در بخش صنایع دستی داشته‌اند، در اختیار نداشتن سرمایه کافی را عامل عدم اشتغال خود در این بخش عنوان داشته‌اند. این پژوهشگران، با برشمردن مزایای تعاونی‌ها، چنین نتیجه‌گیری کرده‌اند که تعاونی‌ها به‌عنوان بهترین ابزار توانمندسازی زنان بویژه زنان روستایی می‌توانند در تأمین سرمایه لازم، ارتقای سطح مهارتی و فروش کالاهای تولیدی اعضا اقدامات مؤثری انجام داده و باعث جلوگیری از مهاجرت و کاهش تبعیض‌های موجود بین زنان و مردان شده و سطح آگاهی و مهارتی زنان عضو را به میزان زیادی افزایش دهند.

از سوی دیگر، بررسی احمدی (۱۳۸۶) درباره گرایش زنان شهرستان زنجان به ایجاد تعاونی نشان می‌دهد که آنها بیشتر تمایل به ایجاد آن دسته از تعاونی‌های تولیدی دارند که در ازای فعالیت در آن دستمزد دریافت کرده و به‌نوعی منجر به استقلال مالی و بالا رفتن حس اعتماد به نفس آنها می‌شود. همچنین این بررسی نشان می‌دهد که گرایش زنان روستایی بیشتر به ایجاد تعاونی‌هایی است که در آن از دانش بومی و سنتی لازم برخوردار باشند و یا آموزش‌های لازم را در آن ارتباط دریافت کرده‌اند. این بررسی تسهیل شرایط برای دستیابی زنان به اعتبارات خرد را در راستای توانمندسازی ایشان در کسب موفقیت در تأسیس تعاونی‌های تولیدی پیشنهاد داده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

۱- جمع‌بندی مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد

بخشودگی‌های بیمه‌ای و امثال آنها اشاره کرد.

پی‌نوشت‌ها

۱- تعاریف بسیاری از زنان سرپرست خانوار وجود دارد که در این تحقیق تعاریف طرح توانمندسازی زنان سرپرست خانوار چاپ ۱۳۸۳/۳/۲۶ اداره کل قوانین مجلس شورای اسلامی مدنظر است.

منابع

- ۱- احمدی منیژه (۱۳۸۶)، سنجش میزان گرایش زنان روستایی به ایجاد شرکت‌های تعاونی روستایی، ماهنامه تعاون، شماره ۱۸۷ - ۱۸۸، صص. ۷۵ - ۸۲.
- ۲- شادی‌طلب ژاله، وهابی معصومه و ورمزکار حسن (۱۳۸۴)، فقر درآمدی فقط یک جنبه از فقر زنان سرپرست خانوار، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال چهارم شماره ۱۷.
- ۳- صابری فرستم و کلماتی محمدرضا (۱۳۸۶)، زنان، اقتصاد روستایی و تعاون با نگاهی به بخش باخزر شهرستان تایباد، ماهنامه تعاون، شماره ۱۸۷ - ۱۸۸، صص. ۲۷ - ۳۲.
- ۴- فرهادی مرتضی (۱۳۸۰)، واژه، نوعی تعاونی سستی کهن و زنانه در ایران، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۵- هفته‌نامه پیک بین‌المللی یونسکو، ۱۹۹۶.
- ۶- کاظمی، م. (زیر چاپ)، بررسی ابعاد مفهومی به‌کارگیری توسعه اجتماع محور برای محرومیت‌زدایی، فصلنامه امدادپژوهان.
- ۷- کاظمی، م. (۱۳۸۴)، توافق جهانی برای محرومیت‌زدایی: نقش سازمان‌های غیردولتی در تحقق اهداف توسعه هزاره، فصلنامه امدادپژوهان، سال دوم، شماره ۷.

8- World bank, (2003), The contribution of social protection to the Millennium Development Goals. Washington: World Bank publish.

که تعاونی‌ها دارای ساختار مناسبی برای آموزش و اشتغال زنان بویژه زنان سرپرست خانوار می‌باشند که با توجه به اصولی که در تشکیل آنها مورد توجه است می‌تواند منجر به توانمندسازی زنان و ایجاد خودکفایی و خوداتکایی آنان شود. تعاونی‌ها احتمال و اخوردگی زنان سرپرست خانوار را بشدت کاهش می‌دهند و حضور آنان را در عرصه اقتصادی جامعه تسریع نموده و محیط همراه با آرامشی برای آنها فراهم می‌آورند.

۲- جمع‌بندی یافته‌های مطالعات مورد بررسی نشان‌دهنده آن است که توانمندسازی زنان سرپرست خانوار می‌باید با توجه به ۵ شاخص کلی "ظرفیت‌سازی در بدنه دولت"، "ارائه آموزش‌های توانمندساز برای مشارکت اجتماعی"، "نهادسازی برای تصمیم‌گیری محلی از طریق توسعه تعاونی‌ها"، "تفویض مسئولیت مدیریت اجرایی به زنان" و "ارائه خدمات حمایتی و پشتیبانی دولتی در راستای ایجاد محیط مناسب اشتغال زنان سرپرست خانوار" باشد.

۳- در صورتی که حمایت زنان سرپرست خانوار مورد نظر باشد، تفکیک و دسته‌بندی آنها ارزشمند بوده و لازم است اقدامات منجر به توزیع عادلانه‌تر امکانات و حمایت از این خانواده‌ها شود. ولی در مقوله توانمندسازی با هدف ایجاد اشتغال پایدار برای آنها و افزایش خوداتکایی در این گروه‌ها، تشکیل واحدهای یکپارچه نه تنها مثبت نیست بلکه عملکرد این زنان سرپرست خانوار را به میزان زیادی کاهش می‌دهد.

۴- حمایت از زنان سرپرست خانوار می‌باید در درون گروه‌های دیگر اجتماعی دنبال شود. به‌طور مثال شرکت‌های تعاونی که به‌نحوی در ترکیب خود زنان سرپرست خانوار را داشته باشند می‌باید از خدمات و تخفیف‌های ویژه برخوردار باشند. از جمله این خدمات می‌توان به اعطای تسهیلات بانکی، تخفیف‌های مالیاتی،